



## زنان و سیاست بنیادگرایی در ایران (۱) و (۲)

هاله افشار

مردم سالاری، ش ۱۰۷۲ و ۱۰۷۶، ۱۳ و ۱۹/۸۴/۷



**چکیده:** نویسندگان بنیادگرایی و احیاگرایی اسلامی را به معنی بازگشت به ریشه‌ها و بازیافت پاک دینی و سرزندگی اسلام همانند زمان ظهورش و در حقیقت به معنی بازگشت به عصر طلایی اسلام دانسته است. وی این رویکرد را منفی ارزیابی کرده و با روحیه تساوی‌طلبانه و الگوی فمینیسم به بررسی آثار سیاسی، اجتماعی و حقوقی آن بر زنان ایران پرداخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

بنیادگرایی چیست؟

بنیادگرایی از دیرباز و با درجاتی متفاوت، با ستم‌دیدگی و مظلومیت زنان در پیوند بوده است. با توجه به خیزش بنیادگرایی و عزم بسیاری از زنان به رد خود آگاهانه انواع مختلف فمینیسم و انتخاب مذهب، دانستن اینکه بنیادگرایی چیست و چرا بسیاری آن را برگزیده‌اند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از نظر آنان احیاگرایی صرفاً میراث مبارزاتشان در طی قرون متمادی علیه بی‌عدالتی است. بنابراین، برای مسلمانان بنیادگرایی به معنای بازگشت به ریشه‌ها، بازیافت پاک دینی و سرزندگی اسلام همانند زمان ظهورش می‌باشد. در این جست‌وجوی گذشته، مسلمانان

بازتاب اندیشه ۶۷  
۱۹  
زنان و  
سیاست  
بنیادگرایی  
در ایران  
(۱) و (۲)

همانند کسانی که به تجلیل از تاریخ خود می‌پردازند، برای کم‌رنگ کردن مشکلات روزمره‌شان به یک رویداد طلایی خیالی برمی‌گردند. عصر طلایی شیعیان حکومت کوتاه ده ساله پیامبر ﷺ و حتی کوتاه‌تر از آن حکومت پنج ساله حضرت علی علیه السلام است. سنّیان که چهار خلیفه اول اسلام را پاک دین و الگو می‌دانند، می‌توانند مدعی حدود ۴۰ سال حکومت عادلانه از هجرت پیامبر به مدینه در ۶۲۲ تا شهادت حضرت علی علیه السلام در ۶۶۱ م، هستند. به علاوه، تمام مسلمانان مدعی پای‌بندی کامل به قوانین قرآن و پذیرش قرآن به عنوان کلام خدا می‌باشند. قرآن دارای ۱۱۴ سوره است و به‌طور ضمنی یا صریح مشتمل بر تمام فرامین الهی می‌باشد. این فرامین حدوداً شامل ۵۰۰ آیه و از این میان حدود ۸۰ آیه به وسیله حقوق‌دانان غربی به عنوان مواد یک قانون در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، مسلمانان در جست‌وجوی عصر طلایی مجهز به پنجاه سال تاریخ و ۱۱۴ سوره از یک کتاب مقدس‌اند که شاید به همان اندازه منبع ایدئولوژی‌ها واقع شود. اما گذشته و کتاب مقدس، همانند اتوپیاها، در انطباق و سازگاری با حال دستخوش مشکلات و دشواری‌هایی می‌شوند. این حوزه، تفسیر و انطباقات با تاریخ است که پنداشته می‌شود با اسلام از بین رفته است. با این وجود بدون چنین انطباقاتی مشکل بتوان اسلام را به عنوان یک کیش در نظر گرفت. بنابراین مفاهیم بازگشت و احیاگرایی به شدت متکی به فرایندهای تفسیر و انطباق هستند. آنها در صدد ارائه تفاسیر جدید و پاک‌دینانه می‌باشند. تفاسیری که سده‌های توأم با خلاف‌کاری و تألم را پاک و مسیر آینده را هموار می‌کند.

### زنان و احیاگرایی

در زمینه تفاسیر قرن بیستم، زنان نیز به سهم خود فعال بوده‌اند. اگر چه حجم عظیمی از الاهیات اسلامی به وسیله عالمان مذهبی‌ای تفسیر و اقتباس می‌گردد که مدعی حق انحصاری تأسیس قانون اسلامی (شریعت) می‌باشند، اما زنان همواره در حوزه‌های سیاست و الاهیات، هر چند مختصر حضور داشته‌اند.

بنابراین، هر چند بنیادگرایی در صدد بازگشت به عصر طلایی اسلام است، اما زنان مسلمان معتقدند که آنان دلایل و امکانات زیادی برای خوش‌بینی و عمل دارند. افزون بر این، بسیاری از زنان مسلمان تحصیل کرده و فرهیخته، به فمینیسم غربی به مثابه نمونه‌ای ضعیف می‌نگرند و مایل به تبعیت از آن نیستند. آنان نه تنها فمینیسم غربی را به عنوان یکی از ابزارهای عمده سیاست استعماری طرد می‌کنند، بلکه از انواع آزادی‌های اعطا شده به زنان در نظام مردسالارانه غربی نیز ابراز انزجار می‌نمایند. زنان اسلام‌گرا با استفاده از انتقادات

بازتاب اندیشه ۶۷

۲۰

زنان و  
سیاست  
بنیادگرایی  
در ایران  
(۱) و (۲)

بی شماری که خود زنان غربی مطرح نموده‌اند، معتقدند که فمینیسم‌های غربی با تمرکز بر تحلیل بازار کار و عرضهٔ تجارب اقلیت زنان طبقه متوسط مرفهٔ سفیدپوست به عنوان یک هنجار، به بسط تحلیلی همت گمارده‌اند که به طور کلی با زندگی اکثریت زنان جهان بی‌ارتباط است. آنان بر این نظرند که مبارزات فمینیستی به سبک غربی صرفاً تا آن اندازه زنان را آزاد نموده که به موضوعاتی جنسی بدل شوند و به منظور انتفاع نظام سرمایه‌داری پاتریمونیال جنسیت خود را به عنوان ابزاری تبلیغ‌کننده به بازار عرضه نمایند. آنان به ویژه در مورد ناکامی فمینیسم غربی در ایجاد یک فضای مناسب مشخص و برشمرده برای ازدواج و مادری حساسیت نشان می‌دهند. به اعتقاد آنان فمینیسم‌های غربی با تمرکز بر حوزه تولید و تلاش برای کسب برابری زنان، کوشیده‌اند تا زنان را مشابه مردان سازند. هر چند در این راه با ناکامی مواجه شده‌اند، آنان نتوانسته‌اند بازار کار را با نیازهای زنان هماهنگ کنند و در عین حال، منافع و مزایایی نیز که زنان تا پیش از ازدواج از آن بهره‌مند بودند، از دست داده‌اند. فمینیسم‌های غربی زنان را به شهروندان درجه دوم دائمی (Permanent Second Class) تبدیل کرده‌اند. مدلی که اکثر زنان غربی همانند جاهای دیگر از آن تبعیت نمی‌کنند.

در مقابل زنان اسلام‌گرا معتقدند که آنان می‌توانند با بازگشت به منابع اسلام منتفع گردند. آنان بر این نظرند که احکام اسلامی زنان را موجودی انسانی، به عنوان شریک مردان و به عنوان مادران و دختران نقش مکمل بودن را (Complementarity) اعطا می‌کند. به اعتقاد آنان اسلام زنان را محترم می‌شمارد و امکان تعلیم و تربیت را برای آنها فراهم می‌سازد، در عین آنکه جهت ایفای نقش مادری، همسری و خانه‌داری فضایی شرافتمندانه برایشان آماده می‌نماید. آنان معتقدند که برخلاف نظام سرمایه‌داری و بخش اعظم گفتمان فمینیستی، اسلام اهمیت ادوار مختلف زندگی زنان را تصدیق می‌نماید، و در ادوار مختلف زندگی‌شان مسئولیت‌ها و نقش‌های متفاوتی به آنان محول می‌کند و برای آنچه در هر مرحله انجام می‌دهند واجد احترام و تکریم‌اند. به باور آنان اسلام از همان نقطه آغاز خود الگوهای زنان نمونه را فراهم نموده و خطوط کلی مسیر شرافتمندانه‌ای را ترسیم کرده که می‌توان در هر کدام از این مراحل از آن تبعیت نمود. حضرت فاطمه علیها السلام، به ویژه برای شیعیان، مدل ایده‌آلی به عنوان دختر و همسر است. برای تمام مسلمانان حضرت خدیجه نماینده قدرتمند یک زن مستقل و فداکار است. ستیان نیز عایشه را به واسطه قدرت فکری نیرومندش و همچنین رهبری سیاسیش تحسین می‌کنند. بدین ترتیب، احیاگران معتقدند زنان مسلمان نیازی به نمونه‌های غربی، که در هر صورت بیگانه و استثمارگرانه هستند، ندارند.

زنان اسلام‌گرا به ویژه مدافع حجاب‌اند. تحمیل عملی حجاب و شکل آن حوزه‌ای بحث‌انگیز است. زنان مسلمان حجاب را به عنوان سمبل اسلامی بودن (Islamification) انتخاب نموده‌اند و آن را چهره عمومی موضع احیاگرایانه می‌پندارند. از نظر آنان حجاب نیروی آزادی‌بخش و نه سرکوب‌گر است. آنان اظهار می‌دارند که حجاب آنان را مشاهده‌گر و نه موضوع مشاهده می‌سازد؛ که همین مسئله آنان را از قواعد صنعت مد و خواسته‌های اسطوره زیبایی‌رهایی می‌بخشد. در بافت ساختارهای پدرسالارانه‌ای که به زندگی زنان شکل می‌دهد، حجاب ابزاری برای دوری از آزار و اذیت جنسی و کسب احترام است.

### ایران و سیاست عملی زنان اسلام‌گرا

نظریه سیاسی زنان اسلام‌گرا، نظیر تمام نظریه‌های سیاسی، در برخورد با آزمون زمان با مشکلاتی مواجه بوده است. اگر چه اسلام فضایی را برای زنان در نظر می‌گیرد، اما برای زنان مسلمان کسب و حفظ حقوقشان با همان مشکلات و دشواری‌های زنان غربی همراه بوده است. جمعیت زنان دخیل در انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده استثنا نیستند. انقلاب اسلامی در شروع خود اقدام به وضع مجموعه‌ای از دستورات، احکام و قوانین زن‌ستیزانه کرد که مانع از دسترسی زنان به بخش اعظم حوزه عمومی می‌گردید. قضات زن اخراج شدند، دانشکده حقوق درهای خود را بر روی متقاضیان زن بست و ماده ۱۶۳ قانون اساسی اعلام می‌داشت که زنان نمی‌توانند به قضاوت بپردازند. به همین ترتیب قانون جزای اسلامی (قوانین قصاص) نیز به طور جدی حقوق قانونی زنان را کاهش داد. نه تنها شهادت دو زن مساوی با شهادت یک مرد بود، بلکه شهادت زنان نیز در صورت انکار مردان، دیگر از سوی دادگاه‌ها پذیرفته نمی‌شد.

از حیث سیاسی نیز زنان به حاشیه رانده شده‌اند. ماده ۱۱۵ قانون اساسی که مبتنی بر دستورات آیت الله خمینی<sup>۱</sup> می‌باشد. بر آن است که رهبر ملت، و رئیس جمهور باید مرد باشد. از آغاز حکومت اسلامی هیچ‌گاه یک زن عضو کابینه نبوده و تعداد نمایندگان زن مجلس نیز بجز آخرین دوره مجلس<sup>۲</sup> که به نُه نفر رسید، هرگز بیش از پنج نفر نبوده‌اند.

### سیاست بنیادگرایی فمینیستی

چنانچه از انعطاف‌ناپذیری فوق‌العاده زنان ایران آگاهی نداشته باشیم از وضع اسفبار زنان دچار یأس و دل‌سردی خواهیم شد. آنان همانند یک‌صد سال گذشته و شاید هم بیشتر در مقابل این حملات بی‌امان نظام مردسالاری مرعوب نشدند. اگر چه برخی از آنان در برابر

فشارها سر تعظیم فرود آورند، اما اکثرشان چه به عنوان زن و چه به عنوان مؤمن محکم و استوار باقی ماندند. لیکن این تنها زنان مؤمن بودند که می توانستند در برابر تقاضاها و مطالباتی که از آنان داشتند، به مقابله برخیزند. با توجه به ماهیت اسلامی گفتمان سیاسی، مدافعان زنان، جمهوری اسلامی را به کوتاهی در انجام وظایف اسلامی خود متهم می نمایند. از نظر زنان ایرانی احیاگرایی فرستاده خدا (God-Sent) است. آنان علیه حاشیه نشینی سیاسی، حقوقی و اقتصادی خود به مبارزه برخاسته اند و اگر چه هنوز به پیروزی دست نیافته اند، اما پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده اند و همچنان نیز به پیشروی خود ادامه می دهند. تمام استدلال های آنان با تعالیم اسلام، قوانین قرآن و سنن و اعمال پیامبر اسلام محکم و استوار گردیده است.

### مبارزه برای فرصت شغلی برابر

اسلامی سازی جامعه به کاهش شدید میزان استخدام زنان منتهی گردید. با این حال هیچ یک از بخش های عمومی و خصوصی بدون کارمندان زن قادر به فعالیت نبودند، ضمن آنکه بقا و دوام اکثر خانوارها بدون درآمد زنان به خطر می افتاد: بنابراین به رغم تلاش ها، زنان در حوزه کار حضور خود را حفظ کردند، هر چند از حیث درصد این حضور خیلی کمتر از عصر پیش از انقلاب بود.

رهنورد، طالقانی و دیگران با استفاده از ادله اسلامی موفق به کسب حمایت برخی از سیاستمداران برجسته نظیر حجت الاسلام ناطق نوری گردیدند. وزیر کشور با سابقه و روشن فکر جمهوری اسلامی اظهار می دارد: اسلام هیچ محدودیتی در مورد مشارکت زنان در حوزه های فرهنگی، سیاسی و عمومی قائل نیست. در واقع، طبق قانون زنان در دسترسی به بازار کار از حقوق برابری برخوردارند و در آغاز انقلاب به آنان وعده آینده ای کمتر تبعیض آمیز داده شده بود. ماده ۴۳ قانون اساسی متعهد به فراهم نمودن فرصت شغلی برای همه می گردد و اشاره می کند که اشتغال کامل هدف اساسی انقلاب است. بنابراین، حتی بعد از انقلاب، قانون اساسی، قوانین کار و قوانین اشتغال دولت تمایزی بین زنان و مردان قائل نمی شود. همان طور که اعظم طالقانی بیان می کند ماده ۲۸ قانون اساسی ما اظهار می دارد که هر کسی می تواند شغل مورد نظر خود را انتخاب کند، مشروط بر اینکه آنان اسلام و منافع اجتماعی و عمومی را نقض نکنند. دولت باید در هر شغلی مطابق با نیازهای اجتماعی برای همه فرصت برابر مهیا سازد. ناکامی در اجرای درست این قانون موجب سلب اعتماد زنان به اسلام و حکومت شده است. البته در عمل زنان در مشاغل برابر از حقوق و دستمزد یکسانی برخوردار نیستند. زنان متأهل مالیات بر درآمد بیشتری از مردان متأهل می پردازند؛ همچنین زنان حق بیمه کودک بیشتری از مردان می پردازند. در حالی که مردان از اغوا و وسوسه انگیزی

سود می‌برند معمولاً این زنان هستند که با مراقبت از بچه‌هایشان تقاضای پست می‌دهند. مردان کمک هزینه‌های زیادتری دریافت می‌دارند، زیرا فرض بر آن است که آنان رئیس خانه و بنابراین مستحق دریافت کالاهای ارزان از شرکت‌های تعاونی ادارات دولتی‌اند؛ سهم آنان به تعداد اولادشان افزایش می‌یابد. این مزایا به هیچ وجه شامل زنان که حتی نمی‌توانند یک سهم برای خودشان بدست بیاورند، نمی‌گردد.

ما هیچ استراتژی برای ورود زنان در سرنوشت کشور نداریم و از این لحاظ ما از آرمان سیاسی مان دور افتاده‌ایم... در برنامه پنج ساله زنان تنها یکبار مورد اشاره واقع شده‌اند... به رغم تمام اعتراض‌ها ما هنوز نامرئی باقی مانده‌ایم. درحالی‌که ترسیم مشخص نقش زنان در فرایند توسعه جنبه اساسی و بنیادی دارد.

### سیاست عمل‌گرایی، مقاومت و سازش

فعالانی نظیر رهنورد و طالقانی نهایتاً جای پای در شورای عالی انقلاب فرهنگی، که به تعیین سیاست‌ها در سطح ملی می‌پردازد، می‌یابند. در آنجا آنان کوشیدند تا سیاست اشتغال زنانه اسلامی را تدوین نمایند. شورا در ۱۱ اگوست ۱۹۹۲، هفده ماه بعد از پیوستن زهرا رهنورد به آن، سندی رسمی در مورد اشتغال زنان منتشر ساخت - علی‌رغم دستورات پرزیدنت رفسنجانی به شورا - درباره آموزش شیوه‌های درست برخورد با شوهران و کودکان به زنان. در عوض شورا آموزش حاکمان را درباره آزادی زنان از طریق اعطای امتیازات و تمرکز بر بخش‌هایی که حصول امتیازات را میسر می‌سازد برگزیند.

اگر چه شورای عالی اولویت اول زنان را خانه و خانواده دانست، اما همچنین متذکر شد که همه زنان برای همیشه مادر نیستند. و در خواست کرد که ادوار زندگی زنان ذکر و شغل مناسبی برای هر دوره در نظر گرفته شود.

### زنان در جامعه و سیاست

اگر چه زنان شانه به شانه مردان مبارزه می‌کنند، اما امکان دسترسی به مقامات بالا از آنان سلب شده است. تاکنون هرگز یک زن به مقام وزارت نرسیده است. مطلبی که زهرا رهنورد در ۱۹۹۰ به اعتراض بیان کرد: «زنان همواره و حتی گاه خیلی بیشتر از مردان، در تظاهرات عمومی برای انقلاب و حمایت از آن حاضر بوده‌اند. اما هنگامی که نوبت به مناصب عمومی می‌رسد آنان کنار زده می‌شوند...».

زنانی نظیر خود من همواره برای شرایط بهتر مبارزه نموده‌اند. ما تقاضاها و مطالبات خود را در مطبوعات و حوزه عمومی مطرح کرده‌ایم. اما هیچ کس توجهی به آنها نکرده و صدای مان تحمل نشده است.

بازتاب اندیشه ۶۷

۲۳

زنان و  
سیاست  
بنیادگرایی  
در ایران  
(۱) و (۲)

اما انتخاب شدن تنها قدم اول است. زنان به شدت از سوی دیدگاه‌های ایدئولوژیکی که به آنان به عنوان موجوداتی پست‌تر و درجه دوم می‌نگرد و مطالباتی که خواهان تواضع، سکوت و نامرئی بودن آنهاست، محدود شده‌اند.

متأسفانه بعد از انقلاب دولت و حتی روحانیون توجه کافی به زنان به عنوان موجودات انسانی کامل نکرده‌اند. تمام تلاش آنان معطوف به نگه داشتن زنان در خانه و به هر قیمتی و ادا داشتن آنان به پذیرش فداکاری، و فرمان‌برداری بوده است. حتی اگر آنان برای گرفتن حق خود به دادگاه بروند توفیق نمی‌یابند، من نمی‌گویم دادگاه‌ها کاملاً مردسالارانه‌اند، اما چنین گرایش‌هایی وجود دارند.

### سازمان‌های زنان

بیشترین موفقیت فعالان زن در مبارزه برای کسب شرایط اقتصادی بهتر در انجمن‌ها و سازمان‌های خارج از نظارت مستقیم دولت رقم خورده است. اگر چه موفقیت در حوزه عمومی به حمایت از مواضع اسلامی بستگی دارد، اما خود اسلام به اندازه کافی برای عرضه تفاسیر متنوع و آزادی عمل قابل توجه به زنان منعطف می‌باشد.

در این راه خودفداکنی (Self - immolation) به کمک آنان شتافت؛ زنان بیشتری به جای تحمل ازواج‌های مشکل یا رقبای اقدام به خودسوزی می‌کردند. البته در این مورد، همانند مسائل دیگر زنان وفات [امام] خمینی علیه السلام فی نفسه مهم و اساسی بود. بعد از مرگ وی و بازگشت رزمندگان بعد از هشت سال جنگ بی‌ثمر، تقاضای نیروی انسانی برای جنگ و کار در صنایع نظامی به تدریج و به نحو چشم‌گیری مانع از درک دولت برای نیاز به کنترل انفجار جمعیت گردید.

## ● اشاره

هاله افشار از فمینیسم‌های ضد انقلاب است که حدود ۱۰ سال پیش این مقاله را در یک مجله خارجی<sup>۱</sup> به چاپ رساند و در ۱۴ مهر ۸۴ روزنامه مردم‌سالاری ترجمه آن را چاپ کرده است. نویسنده همانند دیگر فمینیسم‌های مهاجم با استفاده از شیوه تحقیق احکام اسلام و دستاوردهای انقلاب به تبلیغ افکار سکولاریستی و فمینیستی پرداخته است. هر چند به نظر نمی‌رسد سستی مطالب و مواضع خصمانه نویسنده بر خوانندگان آگاه و مسلمان مخفی باشد، لکن به چند نکته کوتاه در دو محور اسلام و انقلاب اشاره می‌کنیم:

بازتاب اندیشه ۶۷  
۲۵  
زنان و  
سیاست  
بنیادگرایی  
در ایران  
(۱) و (۲)

اسلام:

تفوق اسلام در ایران متأسفانه بر نویسنده خوش نیامده و اظهار داشته است: «تفوق اسلام در ایران برای زنان راحت و بدون دردسر نبوده است، آنان بسیاری از چیزهایی که در طول قرن گذشته بدست آورده بودند از دست دادند». همچنین در راستای تحقیر اسلام به کوتاه بودن دوران حکومت پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ؑ از طرفی و محدود بودن آیات و سوره‌های قرآن بخصوص آیات الأحکام از سوی دیگر اشاره کرده و در نتیجه الگو گرفتن از آن را تضعیف کرده و تجلیل مسلمانان از اسلام را صرفاً تجلیل از تاریخ و گذشته خود دانسته که «برای کم‌رنگ کردن مشکلات روزمره‌شان به یک رویداد طلایی خیالی بر می‌گردند» و....

باید توجه داشت که متأسفانه نویسنده از چند نکته مهم غفلت و یا تغافل کرده است و آن اینکه اولاً، منابع اسلامی منحصر به قرآن کریم نیست، بلکه دریای عظیم روایات معصومان ؑ نیز همانند قرآن حجت بوده و این دو در کنار هم دو ثقل هدایت‌اند و تاقیامت دل‌های متقیان را صفا می‌بخشند و راه هدایت و صراط مستقیم را به روی مسلمانان می‌کشایند.

ثانیاً، به قرآن کریم نباید به دید یک کتاب تک جلدی که دارای ۱۱۴ سوره با ۵۰۰ آیه احکام نگریست بلکه قرآن کتاب علم و هدایت در همه اعصار و امکانه تاقیامت است و علم آن منحصر به ظاهر آن نیست بلکه دارای باطن‌های متعدد و تأویلات حق است که البته با تفسیر و تأویل اهل بیت ؑ بخشی از این علوم را می‌توان کشف کرد. کما اینکه برخی از علمای اسلام به گوشه‌هایی از این علوم با رهنمود ائمه اطهار ؑ رسیده‌اند.

ثالثاً، گذشته شیعیان منحصر به دوران پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ؑ نیست بلکه شیعیان تا زمان غیبت کبری از ۱۴ معصوم و ۴ نایب خاص امام زمان (عج) بهره‌مند شده و در زمان غیبت کبری نیز از وجود حضرت ولی عصر ارواحنافدا، مانند خورشید پس ابر استفاده کرده‌اند.

رابعاً، شیعیان در دوران حضور ائمه ؑ تا غیبت امام زمان (عج)، ۴۰۰ اصل (کتاب) روایی که بسیاری از آنها مستقیماً نیز مورد تأیید ائمه ؑ قرار گرفته بودند، تدوین کردند و در دوران غیبت صغری و کبری محدثین بزرگی همچون ثقة‌السلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ حر عاملی، علامه مجلسی و... با استفاده از اصول چهارصد گانه و کتب معتبر صدها جلد کتاب حدیثی تدوین کردند، گسترده‌گی منابع اسلامی به حدی است که معمولاً محققان نسبت به جامع‌نگری در تحقیقات دچار مشکل می‌شوند. بنابراین کوچک شمردن منابع اسلامی و تحقیر آن از سوی نویسنده و امثال او جز به منظور غرض‌ورزی با اسلام و مسلمانان و تحقیر اسلام، هدف دیگری نمی‌تواند داشته باشد. و از آنجا که افکار سکولاریستی و فمینیستی با احکام اسلام سازگاری ندارد طبیعی است که

بازتاب اندیشه ۶۷

۲۶

زنان و  
سیاست  
بنیادگرایی  
در ایران  
(۱) و (۲)



برای پیشبرد اهداف خود، مجبورند اسلام را کوچک و ناکارآمد جلوه دهند و طبیعی است که از دست رفتن دستاوردهای طاغوت در قرن گذشته در اثر تفوق اسلام در ایران، آنها را عصبانی کند.

**انقلاب:**

بازگشت به اسلام و عزم بر اجرای احکام اسلامی و الگو قرار دادن حضرت زهرا علیها السلام و خدیجه کبری و حضرت زینب و... برای زنان ایرانی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران بوده است و در حقیقت نقطه قوت انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. لیکن نویسنده این بازگشت مقدس را صرفاً حمل برگزیده‌گرایی و روی آوردن به تخیلات برای فرار از مشکلات عنوان کرده و برخی قوانین جمهوری اسلامی را زن‌ستیز معرفی کرده است. اگر چه ممکن است قوانین جمهوری اسلامی اجمالاً معایبی داشته باشد اما رویکرد به اسلام برای تدوین قانون امری مقدس است که و این امر به مذاق دشمنان اسلام خوش نمی‌آید.

جمهوری اسلامی ایران تا کنون در مقابل افکار سکولاریسی و فمینیستی مقاومت کرده است هر چند که در سال‌های اخیر فشارهای سیاسی فمینیسم از داخل و خارج بر دولت مردان از یک طرف و سیل شبهات آنها در مسائل گوناگون که متوجه محققان و اندیشمندان می‌گردد از طرف دیگر موجب شده است که فضای پاک دین‌داری و اصرار بر ارزش‌ها قدری مسموم گردد، لیکن در صورتی که ملت و دولت ایران بر حفظ الگوی‌های اسلامی و تبیین الگوی جامع دینی به خصوص در عرصه مسائل زنان همت گمارد، دشمن ناکام خواهد ماند. «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا؛ به راستی که خداوند از مؤمنین دفاع می‌کند.»

نکته آخر اینکه بسیاری از مطالب و آمار این مقاله اولاً مربوط به ده سال پیش و ثانیاً ناصحیح است.